

سخنان خاتمی را نباید جدی تلقی کرد!

مطبوعات غربی و سرمایه داران ایرانی در آمریکا، چار و جنجال بسیاری پیرامون سخنانی خاتمی در سازمان ملل متعدد، برآ راه انداختند. حتی کلینتن و آبرایت نیز ظاهراً با توجه اخص به این سخنانی گوش فرا داده و رضایت خود را از آن ابراز داشته اند.

بدیهی است که سالهای است دول امپریالیستی و سرمایه داران ایرانی، آرزوی داشته که یک رژیم «معتل» و «دمکرات» در ایران ایجاد گردد، تا سرمایه های آنها در کشور تأمین گشته و به راحتی به زندگی دوره «طلایی» شاهنشاهی برگردند. تحولات اخیر ایران تحت عنوان «جامعه مدنی» و سفرهای خاتمی به غرب و به ویژه سخنانی او در مورد «نژدیک سازی تمدنها»! به زعم این افراد خوش آمده است.

اما، تمام اینها خوش خیالی و آرزویی بیش نمی باشد. اگر خاتمی واقعاً «کاره» ای بود، خود و طرفدارانش را در وضعيتی وخیم کنونی قرار نمی داد. خاتمی اجازه داده است که کلیه مطبوعات حامیانش (به غیر یکی که آنهم متعلق به پرادر «رهبر» است!) توقيف گردد. دهها تن از طرفداران «جبهه ۲ خداد» در زندان هستند و خاتمی کوچکترین اعتراض جدی در مورد دستگیریها نکرده است! او در مورد نامه خامنه ای مبنی بر بسته شدن بحث لایحه مطبوعات در مجلس، سخنی به لب نیاورد! چگونه می توان سخنان چنین شخصی را (چه در ایران و چه در سازمان ملل متعدد)، جدی تلقی کرد؟

بهروز، سخنان خاتمی همان کلی گویی های همیشگی است. ایشان می گویند «قانون اساسی» را میتوان تغییر داد. پرسیدنی است آیا که خود ایشان در این مورد اقدامی کرده اند؟ مگر ایشان رئیس جمهور کشور با ۲۲ میلیون آرای، نمی باشد؟

همزمان با سفر ایشان به نیویورک، ۴۰ تن از نمایندگان جبهه ۲ خدادی طرح «عفو عمومی» را به مجلس ارائه دادند. بلافصله این طرح مورد انتقاد باند راست قرار گرفه و با شکل کنونی آن مردود اعلام گشته است (کیهان ۱۶ شهریور). بدیهی است که این طرح (مانند هر طرح دیگری) نیز چنانچه با مخالفت «ولی فقیه» روبرو گردد، به زبانه دان ریخته خواهد شد. حتی اگر به شکل کنونی آن تصویب گردد هیچ ضمانتی برای اجرای آن وجود نخواهد داشت (بهروز این طرحی است نمایشی برای جلب رضایت دولت کلینتون).

امروز قدرت اصلی در ایران در دست «حزب الله» است و «جبهه ۲ خداد» نیز اگر گست کامل تا سرحد رو درویی نظامی با آن انجام ندهد در بهترین حالت آلت دست «حزب الله» باقی خواهد ماند.